

کیهان

قرآن به مسئله **اتحاد** از زوایای مختلف نگر بسته و به تبیین و تحلیل آن پرداخته استست؛ زیرا در بینش قرآنی، اتحاد از اصول بنیادینی است که قوام جامعه بر آن نهاده شده است و بدون اتحاد به یک معنا جامعه مفهوم و معنا نمی‌یابد. اما آنچه در این نوشتار مورد نظر است، اتحاد به عنوان یک برنامه در راستای دستیابی به اهداف بلند انسانی است. قرآن به کارکردهای اتحاد از آن‌رو توجه دارد که امنیت و آرامش و قدرت جامعه بدان بستگی دارد و اینها اساسی است که زمینه برای رشد جمعی و تعالی عمومی انسانی را فراهم می آورد و جامعه برتری را ایجاد می کند که هر یک از انسان‌ها می‌توانند در سلبایه آن ظرفیت‌های خدادادی خویش را بروز و ظهور دهند و به مقام خلافت و انسان کامل بودن دست یابند.

در مطلب پیش‌رو نویسنده به کارکردهای اتحاد اجتماعی و آثار آن و اختلاف و تفرقه از منظر آموزه‌های قرآنی پرداخته است.

مفهوم اتحاد

اتحاد به معنای یکی شدن، یگانگی داشتن (لغت‌نامه دهخدا ج ۱ ص ۸۴۴) از ریشه (و ح د) به مفهوم یکتایی و یگانگی است.(ترتیب المین ص ۸۲۲ و نیز مجال اللغة ج ۲ ص ۵۴۷ و نه‌ایه ابن اثیر ج ۵ ص ۱۶۰)

نقش پیامبران در ایجاد اتحاد

اختلاف به سبب بنیادی بودن و به نوعی فطری بودن، دغدغه کسانی است که به مسئله انسان و مشکلاتش اهمیت می‌دهند. از این‌رو آیات وحیانی الهی به مسئله اختلافات در میان انسان توجه ویژه‌ای مبذول داشته و با ردگیری علل و عوامل اختلاف به چاره‌جویی در این حوزه پرداخته است. به عنوان نمونه قرآن در آیه ۹۱ سوره مائده به عامل بیرونی اشاره می‌کند که تلاش و همت آن عامل بر این است تا دشمنی و کینه را در میان انسان‌ها دامن بزند و مردمان را به سویی اختلاف و تفرقه بکشاند: انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء.

قرآن هرگونه درگیری و منازعه را باعث راهیابی سستی و ضعف در صف جامعه بر می‌شمارد و آن را عاملی مهم در فروپاشی درونی و شکست بیرونی می‌داند. از این‌رو از هرگونه اختلاف و درگیری پرهیز می‌دهد و از مسلمانان می‌خواهد که صفوف خویش را متحد کرده و از درگیری در میان خود دوری کنند.

به این معنا که اگر اختلاف در میان انسان‌ها را به دو دسته اصلی در حوزه عقیده و عمل اجتماعی تقسیم کنیم، شیطان در این میان نقش بسیار حساسی را ایفا می‌کند.او با دسیسه می‌کوشد تا انسان‌ها به یکدیگر کینه بورزند و دشمنی و بغض در میانشان فراگیر شود. این مسئله موجب می‌شود تا امکان همگرایی و بهره‌مندی از توانمندی‌های یکدیگر فراهم نیاید و نه تنها جامعه بزرگ بشری شکل نگیرد بلکه حتی جامعه کوچک و هسته هر اجتماعی یعنی خانواده از هم فرو پاشد. از این‌رو در میان همسران به عنوان عامل اصلی اختلاف ظاهر می‌شود. در این میان قرآن نیز افزون بر عامل اتحاد در درون انسان به عامل و یا عوامل بیرونی اشاره می‌کند و به نقش بسیار سازنده و مؤثر پیامبران و آموزه‌های آنان در راستای راهیابی و یا حتی جلوگیری از اختلاف و رسیدن به اتحاد واقعی توجه می‌دهد؛ زیرا پیامبران با آوردن قوانین مکتوب آسمانی از سوی افریدگار و پروردگارش که مطابق عقل و فطرت انسانی است (اعراف، آیه ۱۵۷) مردم را از اختلاف و فرقا پد رها می‌سازند و با ارائه شریعت و قوانین کامل و نوشته شده، زندگی اجتماعی‌شان را مدیریت و در عمل اجتماعی آنان دخالت مثبت و سازنده‌ای می‌کنند و با اجرای حدود الهی و قوانین استوار و منطقی و مفید با اختلافات و بارشبه‌های آن مبارزه و مقابله می‌نمایند. (بقره، آیه ۱۲۳) و با تربیت مردم و تزکیه دل‌ها و آموزش مبانی اخلاق و اصول (ن، جمعه، ایه ۳) توطئه‌های اختلاف بر انگیز شیطان به مقابله برمی‌خیزند.

قرآن یکی از وظایف پیامبری را مدیریت اجتماعی و حکومت و داوری بر می‌شمارد و بیان می‌کند که چگونه پیامبران در راستای ایجاد جامعه برتر و یا حفظ جوامع از اختلافات، به مبارزه با افراد قاتل‌شکن پرداخته‌اند. این وظیفه‌ای است که خداوند درباره شخص پیامبر بزرگوار اسلام بر آن تاکید می‌ورزد و او را به حکومت و داوری بر پایه قانون موظف می‌کند.

تبیین و تفسیر تحلیلی و روشنگری درباره موارد اختلافی پیروژه در حوزه بینش و نگرش، از وظایف پیامبر اسلام (ص) شمرده شده است و آن حضرت موظف شده است تا بر پایه آموزه‌های وحیانی و قوانین نوشته شده الهی به تبیین مواردی بپردازد که مردمان درباره آن اختلاف کرده و با ارائه برداشت‌های مختلف و متنوع موجب تفرقه و اختلاف در امت می‌شوند.(نحل، آیه ۶۴) پیامبر در عمل نیز بر پایه این فرموده و دستور الهی میان دو قبیله اوس و خزرج که سالیانی دور و دراز به جنگ و خونریزی با یکدیگر مشغول بوده‌اند، الفت و برادری و یگانگی پدید آورد و مسائل اختلافی در میانشان را بر پایه آموزه‌های وحیانی حل و فصل کرد.

از این‌رو خداوند بسه مؤمنان بهیژه دولت شهر مدینه‌النبی این نعمت بزرگ را یادآور می‌شود که چگونه در میان ایشان الفت انداخت و دشمنی و کدورت میان آنان را به صلح و صفا و برادری تبدیل کرد.(آل عمران، آیه ۱۰۳)

بنابراین یکی از نعمت‌ها و یاایامه آل است که انسان با توجه به وضعیت کنونی به وضعیت کنونی خویش بنگرد و از اینکه جنگ و کشتنه به صلح و امنیت تبدیل شده خداوند را سپاس و ستایش کند. این برادری و الفتی که میان مؤمنان به اراده و مشیت الهی پدید آمده همراه با ابرازها و روش‌هایی بوده است که مردم انگیزه‌های ایجاد آن را تقویت می‌کرد و هم بر عناصر پایداری و دوام آن نیز می‌افزود. آن‌را پیامبر در نخستین برنامه‌های اجتماعی خود، پس از ورود به یثرب و ایجاد دولت شهر مدینه‌النبی بر پایه قانون اساسی قرآن و کتاب الهی، میان انصار و مهاجران نیز عقد اخوت بست(انگیزه‌های ایجاد آن، ص ۱۲ و ۲۸۹) و با تقسیم بیت‌المال و درآمدهای عمومی میان مؤمنان (انفال، آیه ۱) و از میان

بردن ریشه‌های اختلاف و دشمنی که از سوی منافقان ایجاد می‌شد(منافقون، آیه ۸) دوستی و برادری را میان ایشان تقویت کرد.

روش پیامبر بر این اساس بود که در برابر دشمنان، سخت و قاطع و در برابر مؤمنان نرم بود. این روش بر خود که خداوند از آن به خوش‌خلقی وی یاد می‌کند و نعمتی از سوی خدا برمی‌شمارد.(آل عمران، آیه ۱۵۹) گاه تا آن اندازه نرم است که برخی از منافقان پیامبر را به اذن نکووش می‌کنند و می‌گویند که او انسانی گوش به فرمان و خوش‌یاور است و ما هر چه بگوییم آن را باور می‌کنند. این‌گونه است که خداوند با یاد کرد این خلق خوش ایشان به منافقان هشدار می‌دهد که این رفتار پیامبر با آن که به نیت و باطن شما آگاه است از آن‌روست که وی خیر شما را می‌خواهد لذا پیامبر برای شما اذن خیر است که خوش باوری‌اش را برای نیکوکاری به شما انجام می‌دهد. این‌گونه است که پیامبر مورد ستایش خداوند قرار گرفته و او را با توصیف خلق عظیمش، بزرگ می‌دارد.

این گونه رفتار پیامبر است که دامنه وحدت و اتحاد را در میان امت گسترش می‌دهد و همه حتی منافقان و مخالفان از آن سود می‌برند.

آثار اتحاد و یگانگی

در هر سطحی از اتحاد انسانی و شریعتی و ایمانی می‌توان فواید و آثاری را یاد کرد. به عنوان نمونه اتحاد و یگانگی در سطح انسانی موجب می‌شود تا جنگ و

شوند و به اقداماتی دست زندند که دست کم موجب سلب آرامش روحی و روانی جامعه و در سطح برتر نابودی جامعه و ملت و با امت و یا حتی بشریت است.

دوم: راهیابی از سلسله بیگانگان: دومین اثری که قرآن برای اتحاد و یگانگی بر می‌شمارد، راهیابی از سلسله بیگانگان، ستمگران، ستمگران و استعمارگران و بهره‌کنشان و برچیده شدن حکومت و قدرت آنها است. قرآن با اشاره به داستان فرعون و روش استعمارگری و سلطه‌گری او بیان می‌کند که چگونه فرعون با در پیش گرفتن سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن توانسته بود سالیانی دراز بر قوم بنی‌اسرائیل چیره شده و بر ایشان حکومت کند و با تمام قدرت و شدت آنان را استعمار کرده و بر گرده ایشان سوار شود.

فرعون سیاست خویش را بر تفرقه‌اندازی میان قوم یهود بنیاد نهاده بود؛ و جعل اهله‌ا شیعا یستضعف طائفه منهم؛ مردمان مصر را به گروه‌های چندی تقسیم کرده و گروهی را به خواری و استعضاف کشانده بود(قصص، آیه ۴)

بنابراین دشمنان انسانیت همانند فرعون با استفاده از اهرم تفرقه می‌کوشند تا مردمان را به استضعاف کشانده از آنان بهره‌کشی کنند.

مفهوم این آیه نشان می‌دهد که در صورتی که مردم با عوامل اختلاف مبارزه کنند و یا تن به اختلاف و تفرقه ندهند و یگانگی را در میان خویش حفظ و تقویت کنند

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

مهم‌ترین دستاورد اتحاد در همه انواع و اقسام و سطوح پیش گفته، حفظ صلح، صفا، آرامش و امنیت و دوری از جنگ و خونریزی و رهایی از اختلاف و تفرقه و پیامدهای زیانبار آن است؛ زیرا اتحاد در جامعه جهانی و در سطح بنسری و انسانی، حسن نوع‌دوستی و همکاری متقابل را تقویت می‌کند و همه فتنه‌های اجتماعی را که از برتری جویی و اختلاف‌های قومی و نژادی و تعصبات کور قبیله‌ای سرچشمه می‌گیرد، از میان می‌برد.

در جای دیگر قرآن اتحاد و همبستگی بر محور ولایت خدا و رسول و مؤمنان را عامل تحقق حزب(حزب به یارن موافق، هم رای و همبسته کامل و به هر گروهی که خواست‌ها و اهداف آنان یکسان باشد گفته می‌شود) واحد دانسته و به دنبال آن وعده قطعی می‌دهد که این حزب که همان «حزبالله» است، پیروز میدان خواهد بود. **پنجم: عزّت و آبرومندی:** همبستگی و اتحاد مؤمنان، سبب قوّت و عزّت و عظمت جامعه اسلامی است. انچه‌ان که گذشت، خواندیم که قرآن کریم فرمود: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ﴾.(انفال، آیه ۴۶) و از خدا و رسول او اطاعت کنید و از نزاع و درگیری بپرهیزید تا سست و بی‌ابرو نشوید. به روشنی از آیه دریافت می‌شود که اگر جامعه اختلافات را کنار بگذارد و همه با هم گوش به فرمان خدا و رسول باشند، عزت و آبروی آنان حفظ خواهد شد.

قرآن با توجه به این مسائل پذیرش دین کامل را عاملی مهم در وحدت و اتحاد برمی‌شمارد و بیان می‌کند که پذیرش ناقص دین به معنای اختلاف و دوری از اتحاد است. دین در مفهوم قرآنی باور به اندیشه و بینش و وحدی و هدفمندی آفرینش و باور به آموزه‌های وحیانی و اصول هدایتی تکوینی و تشریعی است.

بنابراین درین در حقیقت تاکید بر همان هستی‌شناسی و جهان بینی است که انسان عاقل و سالم با فطرت پاک خویش به آن دست می‌یابد.

از نظر قرآن مهم‌ترین عامل در پدیداری اختلاف در میان جوامع، عدم پذیرش اصول عقل و فطرت سالم است که به نام دین از آن یاد می‌شود. اختلاف در هر یک از اصول موجب می‌شود تا انسان از دین کامل و حقیقی دور افتاده و دچار تبعات و پیامدهای آن شود که اختلاف یکی از آثار طبیعی آن خواهد بود. خداوند با هشدار باش به مؤمنان از آنان می‌خواهد که دین را به طور کامل بپذیرند و از پذیرش بخشی و رها کردن بخش دیگر خودداری کنند(حجر، آیه ۹۱) تا در حوزه عمل نیز گرفتار تشمت و پراکندگی نشوند؛ و لاتکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جئناهم البینات، شما مؤمنان همانند کسانی نباشید که گرفتار تفرقه شده و در دین اختلاف کردند. پس از آنکه دلایل روشن به آنها رسید.(آل عمران، آیه ۱۰۵) این دلایل روشن همان آیات وحیانی است که به تأیید عقل و فطرت آمده است و آدمی را نسبت به وضعیت خود در هستی آگاه و وظیفه وی را تبیین و مشخص کرده است تا در مسیر سازندگی و بالندگی حرکت نموده و خود را به هدف آفرینش نزدیک و یا برساند.

بنابراین عامل اصلی اتحاد در نگرش قرآنی، توجه کامل به دین و اصول عقل و فطرت سالم است که انسان را نسبت به موقعیت، وظیفه و هدف خود آگاه می‌کند. دومین عاملی که قرآن برای اتحاد و وحدت شناسایی و ردگیری درین درونی است. به این معنا که سلامت روح و روان فردی مهم‌ترین چیزی است که اتحاد انسانی را سبب می‌شود و انسان‌ها را بر محور یگانگی به گردش می‌اندازد و از دور شدن باز می‌دارد. جامعه مطلوب و ایده آل مجموعه‌ای از افراد سالم و عاقل و با روان پاک و ارشد و فطرت الهی است که در راستای اهداف الهی و انسانی گرد هم می‌آیند. انسان‌های ناسالم هر گز نمی‌توانند بر محور واحد و یگانه گرد آیند و به سوی هدف مشخصی حرکت کنند. از این‌رو جامعه سالم زمانی پدید می‌آید که انسان‌های سالم و عاقل با هدف و رویه خاص خود هم گرد آیند. بنابراین سلامت روحی و عقلی افراد به عنوان اصل مهم در هر جامعه و اتحادی ضروری و لازم است.

اینجاست که دین به عنوان تنظیم‌کننده منش و کنش انسانی وارد صحنه می‌شود و موجبات تصحیح رفتاری وی را فراهم می‌آورد. با آموزه‌های اخلاقی خاص قرآن، محرب او را مهار و تعدیل و کنترل می‌کند و آن را به ابزارهای سازنده‌ای تبدیل می‌نماید. این‌گونه است که نخست به بازسازی درون انسان می‌پردازد تا نخست انسانی سالم را بپرویزاند، تا نتیجه آن جامعای هدفمند و متدین گردد. این‌گونه است که اسلام و قرآن به بازسازی شخصیت افراد انسانی توجه بسیاری نشان می‌دهد و از آنها می‌خواهد تا بر پایه آموزه‌های وحیانی باطن خویش را تزکیه کنند تا بیماری‌های اخلاقی و خصصیات باطنی پاسخند رهایی یابند تا زمینه برای رشد و بالندگی فراهم آید؛ زیرا بسیاری از امور فردی و باطنی که به ظاهر بستگی به روحیات فردی و شخصی دارد آثار اجتماعی مهمی دارد که اهمیت اجتماعی آن بیشتر از امور شخصی است. به عنوان نمونه حسادت و کینه‌ورزی و باجacht و شهرت‌طلبی و تکبر و دنیاپرستی از خصوصیات و منش‌ها و کنش‌های شخصی و فردی به شمار می‌آید در حالی که آثار اجتماعی آن فراتر از آن است که بتوان آن را در حوزه هنجارشناسی اجتماعی نادیده گرفت و یا در روان‌شناسی اجتماعی بدان‌ها نپردازد. از این‌رو قرآن به مسائل اخلاقی و باطنی از درجه‌ای آثار و کارکردهای اجتماعی آن می‌نگرد و خواهان مهار و تعدیل و هدایت آنهاست.

قرآن پیروی از القالت و وسوسه‌های شیطانی را عاملی مهم در تفرقه برمی‌شمارد.(بقره، آیه ۲۰۸) و با معرفی ابلیس به عنوان دشمن آشکار بشر (مائده، آیه ۹۱) بهره‌گیری او از توان و ظرفیت موجود در بشر را عاملی مهم برای تفرقه و اختلاف معرفی می‌کند و از سودجویی ابلیس بهر پزهی می‌دهد.(اعراف، آیه ۲۸)

با نگاهی گذرا به این قرآن می‌توان دریافت که شخصیت انسانی کامل تا چه اندازه در ایجاد جامعه برتر می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. از این‌رو، قرآن بر مباحث فرائضی اشخاص به عنوان سازندگان جامعه تاکید می‌کند و اقوال جامعه‌شناختی خود را بر پایه روان‌شناسی بنیاد می‌نهد. بر این اساس سخن گفتن از جامعه برتر بدون توجه به انسان برتر و کامل بی‌معنا و مفهوم است. این‌گونه است که قرآن پیش از سخن گفتن از آزادی اجتماعی و حقوقی و سیاسی از آزادی انسان از قید و بندهای شهود و بندگی‌های فاسد می‌گوید و رهایی از زنجیرهای نفسانی را وظیفه نخستین هر انسانی برمی‌شمارد.

قرآن به دو دسته از امور به عنوان عوامل اصلی اتحاد

می‌نگرد؛ اموری که به حوزه اعتقادی و بینشی انسان باز می‌گردد و اموری که به شیوه رفتاری او مرتبط است.

صفحه ۷

یکشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴

۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۹۴



چراغ راه

روزه‌داری بی‌ثمر

قالت فاطمه(س): «ما یصنع الصائم بمصیامه اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه».

حضرت فاطمه(س) فرمود: روزه‌داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضا و جوارح خود را کنترل ننماید، هیچ سودی از روزه‌داری نمی‌برد.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴، ۲۵۳

حکایت خوبان

ذکری که مقام شهید را به ارمان می‌آورد

حضرت فاطمه(س) فرمود: پیامبر(ص) تشویق به جهاد کرد و فضیلت آن را بازگفت، من درباره جهاد از ایشان پرسیدم، که فرمود: آیا تو را به کاری آسان یا پاداشی فراوان راهنمایی نکنم؟ هر مرد و زن مؤمنی در پی نماز وتر دو سجده به‌جا آورد، و در هر یک از آن دو، پنج‌بار بگوید: سبوح قدوس و رب الملائکه و الروح (پاک است، منزّه است پروردگار فرشتگان و روح) سرش را بلند نکند مگر اینکه همه گناهانش را بپارزد، و اگر در همان شب بمیرد، شهید(گفته) مرده است.^(۱)

۱- مختصر المحاسن، ص ۱۹۲

پرسش و پاسخ

فلسفه احکام از دید گاه حضرت فاطمه(س)

پرسش:

حضرت فاطمه(س) در خطبه فدکیه معروف خود چه فلسفه‌هایی را برای احکام نورانی اسلام بیان فرمودند؟

پاسخ:

اعتبار سند خطبه

حضرت فاطمه(س) با جمعی از زنان بنی‌هاشم به مسجد پیامبر(ص) آمد در برابر توده‌های مسلمان و سران مهاجر و انصار گفتنی‌هایی را بگوید و اتمام حجت کند. او با اعتنا به جوسازی خاصی که شده بود و به بهانه نصب فدک خطبه بسیار ارزشمندی ایراد فرمود که بسیاری از حقایق در آن افشا شد. این خطبه به لحاظ سندی از خطبه‌های مشهوری است که علمای بزرگ شیعه و سنی با سلسله سندهای بسیار آن را نقل کرده‌اند و برخلاف آنچه بعضی خیال کرده‌اند هرگز خبر واحد نیست و در منابع معتبر از آن یاد شده است. در اینجا بخشی از خطبه حضرت فاطمه(س) که به فلسفه احکام پرداخته را به نحو اجمال مطرح می‌کنیم.

احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی است

دانشمندان و متکلمان اسلامی در اینکه آیا احکام الهی اعم از واجبات و محرمات، براساس مصالح و مفاسد موجود در آنها قرار شده یا نه با هم اختلاف دارند. ملاجلا واجب شدن نماز و حرام شدن مشروبات الکلی آیا بنا بر مصلحتی که در نماز و یا مفسده‌ای که در مشروبات الکلی است می‌باشد یا نه؟ امامیه و معتزله می‌گویند: احکام بی‌شک براساس مصلحت و مفسده واقعی استوار است. اگرچه عقل‌های متعارف بشری نتوانند آن مصلحت و مفسده واقعی را درک کنند. در مقابل اشاعره مخالفت نموده و معتقدند ذات احدیدت شایستگی آن مقام را دارد که به هرچه بخواهد امر کند و از هرچه که میبشت به آن تعلق نگیرد نهی نماید و مصلحت و مفسده در خود امر به فعل و یا نهی است و خود فعل فاقد هر گونه مصلحت یا مفسده‌ای می‌باشد.

فلسفه احکام

۱- نماز وسیله پاکی از کبر است

«والصله تنزیهاً لکم عن الکبر» نماز را وسیله پاکشدن از کبر قرار داد. (شرح نهج‌البلاغه ابن‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۰ امام علی(ع) در خطبه قاضعه (۹۲) بنفقط غرض از نماز، بلکه غرض از تمام عبادات بدنی و مالی را رهایی از کبر معرفی می‌کند، زیرا ریشه تمام صفات و منشا همه محرومیت‌ها از نیل به کمال واقعی انسان، صفت تکبر است. مراد از تکبر آن نیست که انسان در راه رفتن و نشستن طوری رفتار نماید که خود را ممتاز از دیگران نشان دهد، بلکه تکبر همان روح خودبینی و طغیان درونی انسان در برابر فرمان خدا است که خدای متعال مخالفان مکتب وحی را «ستمکبر» معرفی می‌نماید.

۲- زکات وسیله تزکیه و وسعت روزی است

«الزکوة تزکیه للنفس و نماه فی الرزق» خدا زکات را وسیله پاکی روح آدمی (از پلیدی‌ها و وابستگی‌های مادی) و سبب ازدیاد وسعت روزی قرار داد. (همان) زکات در اصطلاح قرآن به هرگونه انفاقی که در راه خدا باشد، اعم از واجب و مستحب اطلاق شده است. در آیه ۵۵ سوره مائده «و یاتوا الزکوة و هم را کوم» مفسران مصداق آیه را با بخشیدن بیشتر در حق رکوع توسط علی(ع) ذکر کرده‌اند. آری زکات در قرآن کریم در ردیف نماز قرار داده شده و خداوند آن را سبب تزکیه نفس و فزونی روزی معرفی فرموده است. این معنا الهام گرفته از این آیه شریفه است که می‌فرماید: «و سنجیناها الاتقی» «الذی یؤتی ماله ینزکی» به روزی باقتنایترین مردم از آتش کنار خواهد بود کسی که مالش را در راه خدا می‌دهد و با این عمل طهارت نفس را حاصل می‌کند.(البلیل، ۱۸۱۷-)

۳- روزه باعث تثبیت اخلاص می‌شود

«الوصوم تثبیتاً للالخلاص» خدای متعال روزه را سبب استحکام اخلاص انسان قرار داد.(همان) روزه در شرع مقدس اسلام عبارت است از پرهیز از خوردن و آشامیدن و مفطرات دیگر به قصد قربت. اخلاص نیز اتمام عمل فقط برای اجرای امر خداوند متعال است. راز اینکه حضرت روزه را تثبیت‌کننده اخلاص معرفی فرموده با وجود اینکه هر یک از واجبات دیگر اگر با شرایط به‌جا آورده شود موجب استحکام اخلاص است، این است که در روزه، انسان خود را آماده می‌کند که از آنچه که خداوند نهی فرموده، اساک کند و فقط خداوند از آن آگاه است، برخلاف سایر عبادات که غالب آنها در معرض دید مردم قرار دارند.

۴- حج برای استواری دین است

«والحج تشدیداً للبدن» خدای متعال حج را برای استواری دین قرار داد.(همان) حج به معنای قصد و در اصطلاح شرع عبارت است از اعمال مخصوصی که در امکنه و مشاعر خاص در مکه و مدینه انجام می‌گیرد. این عبادت از بزرگ‌ترین عبادت‌های دین مقدس اسلام و دارای ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است تا در هر سال مسلمانان از نقاط مختلف جهان در محل نزول وحی گرد هم آمده و گنگره بزرگی را تشکیل داده تا مصالح مسلمانان بسانداری کنند و مستقیماً بر مصالح و منافع خودشان نظارت نمایند، که از آیات ۲۷ و ۲۸ سوره حج الهام گرفته شده است.

سلوک عارفانه

لزوم پالایش افکار دینی غلط در اذهان مردم

افرادی مانند من که با پرسش‌های مردم درباره مسائل مذهبی مواجه هستیم کلاًلاین حقیقت را درک می‌کنیم که بسیاری از افراد، تحت تأثیر تلقینات پدران و مدران جاهل یا مبلغان بی‌سواد، افکار غلطی در زمینه مسائل مذهبی در ذهن‌شان رسوخ کرده و همان افکار غلط را سوه و پخشیده و آنها را درباره حقیقت دین و مذهب چار تردید یا احیاناً انکار کرده است. از این‌رو کوشش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود.^(۱)

۱- امدادهای غیبی در زندگی بشر، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۴۷